

اصول اخلاقی پژوهش از منظر نهج البلاغه

منیره عابدی^۱
احمدرضا نصر اصفهانی^۲

چکیده

هدف: پابندی به اصول اخلاقی در پژوهش‌ها، از اهمیت ویژه برخوردار است. لذا پژوهش حاضر بر آن است تا با مبنا قرار دادن نهج البلاغه، به عنوان یکی از مهم‌ترین و جامع‌ترین منابع اسلامی، به تدوین این اصول بپردازد. **روش:** روش به کار رفته برای تحقق این هدف، پدیدارشناسی توصیفی بود که شامل چهار مرحله است: ۱. طرح سؤال پژوهشی، ۲. نمونه‌گیری، ۳. جمع‌آوری داده‌ها، ۴. تحلیل داده‌ها. در تحلیل داده‌ها نیز از الگوی هفت مرحله‌ای کلایزی بهره گرفته شد. **یافته‌ها:** یافته‌ها نشان داد که از دیدگاه نهج البلاغه، هر پژوهشگر ملزم است قبل، حین و پس از اجرای پژوهش، مجموعه‌ای از اصول اخلاقی را مورد عنایت قرار دهد. انتخاب موضوع مناسب و تقسیم کار شایسته، اصول اخلاقی پیش از پژوهش می‌باشند. در حین اجرای پژوهش، پژوهشگر باید به استفاده از منابع موثق، بی‌طرفی، پرهیز از جمع‌آوری اطلاعات زیاد و استقبال از آرای گوناگون پایبند باشد و بالاخره پس از اجرای پژوهش، در مرحله تجزیه و تحلیل اطلاعات، عدم تحریف و کتمان حقایق و در مرحله گزارش نتایج به دست آمده، اصول مربوط به محتوای گزارش، همکاران پژوهش و عمل به یافته‌ها حائز اهمیت است. **نتیجه‌گیری:** این یافته‌ها بیانگر امکان تدوین اصول اخلاقی پژوهش بر اساس منابع اسلامی می‌باشد.

واژگان کلیدی: نهج البلاغه، اصول اخلاقی پژوهش، روش پدیدارشناسی، مدل کلایزی.

◆ دریافت مقاله: ۹۲/۰۴/۲۰؛ تصویب نهایی: ۹۲/۱۲/۰۳.

۱. دانشجوی دکتری فلسفه آموزش و پرورش دانشگاه اصفهان (نویسنده مسوول) / آدرس: اصفهان، خیابان هزار جریب، دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، گروه علوم تربیتی / [Email: abedi.monir81@gmail.com](mailto:abedi.monir81@gmail.com)
۲. دکترای برنامه‌ریزی درسی؛ استاد گروه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان.

الف) مقدمه

کاربرد اصول اخلاقی در پژوهش، یکی از عمده‌ترین مباحثی است که امروزه بخش مهمی از توجهات پژوهشگران و محققان را به خود جلب کرده است. ارزش و اهمیت مباحث اخلاقی در دین بر همگان روشن است. لذا می‌توان بر اساس منابع دینی، به تدوین اصول اخلاقی پژوهش پرداخت. با این وجود، هنوز جای پژوهشهایی که به طور تخصصی و به منظور تدوین چنین اصولی انجام شده باشند، در فهرست پژوهشهای انجام شده در داخل کشور خالی به نظر می‌رسد. البته پژوهشهای زیادی در راستای تدوین اصول اخلاقی پژوهش انجام شده است، اما تقریباً هیچ کدام مستند به منابع ناب اسلامی نیستند. لذا تنها به ذکر مجدد آنچه در نظام‌نامه‌های اخلاقی غرب آمده است پرداخته‌اند. در این میان، تا جایی که نویسندگان این مقاله به بررسی و جستجو پرداختند، تنها یک مقاله وجود دارد که به طور خاص و گسترده در تلاش برای تدوین اصول اخلاقی پژوهش بر اساس منابع اسلامی بوده است. در این پژوهش که توسط شریفیان و همکاران (۱۳۸۶) و با عنوان «جایگاه اخلاق اسلامی در فرایند پژوهشهای علوم تربیتی» انجام گرفته، پس از بحثی مقدماتی پیرامون جایگاه اخلاق در اسلام و مفهوم‌شناسی پژوهش و منابع کشف حقیقت، با استناد به منابعی چون: قرآن کریم، غررالحکم، نهج‌الفصاحه، اصول کافی، نهج‌البلاغه و...، به تبیین جایگاه اصول و معیارهای اخلاقی در مراحل آغازین پژوهش، در انجام پژوهش و پس از جمع‌آوری مطالب و ارائه داده‌ها پرداخته است. نکته قابل ذکر آنکه، با وجود برخی از همپوشانی‌ها در نتایج دو پژوهش، تلاش نویسندگان پژوهش حاضر بر آن بوده است که با تمرکز بر تنها یکی از منابع مذکور، به طور اختصاصی به این مسئله بپردازد. بدیهی است جستجوی متمرکز در سایر منابع اسلامی نیز می‌تواند جنبه‌های دیگری از اصول اخلاقی پژوهش را آشکار کند تا همه این پژوهشها در کنار هم به ارائه الگویی کامل کمک کنند.

روش مورد استفاده در این پژوهش، روش پدیدارشناسی توصیفی است. پدیدارشناسی، رویکرد پژوهشی کیفی است که در پی شناسایی معنای ذاتی و تغییرناپذیر مسئله تحت بررسی است. (چان، فانگ و چین، ۲۰۱۳: ۱؛ به نقل از: لانگدریج: ۲۰۰۷)

مراحل این روش عبارتند از: ۱. طرح سؤال پژوهشی بر اساس الگوی «وجود ذاتی پدیده چیست؟»، ۲. نمونه‌گیری، ۳. جمع‌آوری داده‌ها، ۴. تحلیل داده‌ها (عابدی، ۱۳۸۹: ۲۱۶-۲۱۳). البته این مراحل سیر خطی ندارند و به صورت رفت و برگشتی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

در این پژوهش، بر اساس مراحل مذکور، ابتدا یک سؤال پژوهشی با این مضمون طرح شد که: «اصول اخلاقی پژوهش از منظر نهج‌البلاغه چیست؟». در مرحله دوم، از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. این روش برای پژوهشهای کیفی و پدیدارشناسی مورد استفاده قرار می‌گیرد و در آن، منابع یا افرادی مورد بررسی قرار می‌گیرند که بیشترین اطلاعات را در رابطه با موضوع مورد نظر دارند. به علاوه، افراد یا منابع نمونه از قبل مشخص نیستند و انتخاب موارد بعدی، بستگی به کفایت اطلاعات حاصله دارد. لذا

اصول اخلاقی پژوهش از منظر نهج البلاغه ♦ ۲۹۹

نمونه‌گیری تا اشباع نظری مقولات ادامه می‌یابد. در این پژوهش نیز خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های نهج البلاغه تا زمان اشباع داده‌ها مورد بررسی قرار گرفت. هر گاه معلوم شد ادامه بررسی، اطلاعات جدیدی را به وجود نمی‌آورد، نمونه‌گیری و بررسی نمونه‌ها به پایان رسید. در مرحله سوم، جمع‌آوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای انجام گرفت و در مرحله چهارم، داده‌های به دست آمده با استفاده از الگوی کلایزی (۱۹۷۸) تجزیه و تحلیل شد.

مراحل این الگو عبارتند از: ۱. مطالعه چندباره داده‌ها برای درک دقیق آنها؛ ۲. استخراج جملات مهم مرتبط با پدیده مورد نظر؛ ۳. فرموله کردن معانی از طریق روشن‌سازی مفاهیم پنهان در جملات مهم؛ ۴. دسته‌بندی مفاهیم به دست آمده از متون مختلف در خوشه‌های موضوعی (مقوله‌ها)؛ ۵. ترکیب نتایج و به دست آوردن توصیفی جامع از طریق اعمال یک نظم و ساختار به خوشه‌ها؛ ۶. مراجعه مجدد به نمونه و اعتبارسنجی یافته‌ها؛ ۷. وارد کردن پیشنهادها برآمده از نمونه به گزارش نهایی یافته‌ها از ماهیت پدیده (کلایزی، ۱۹۷۸: ۷۱-۴۸). این مراحل نیز خطی نیستند، بلکه ابتدا سه مرحله اول در مورد اولین منبع یا فرد شرکت‌کننده در پژوهش انجام می‌شود. سپس همین سه مرحله در مورد منبع بعدی انجام می‌شود و این کار تا زمانی که مفهوم جدیدی از جملات مهم به دست نیاید ادامه می‌یابد. در این زمان، مراحل بعدی آغاز می‌شوند.

بر این اساس، پژوهشگران مراحل ذیل را برای تجزیه و تحلیل اطلاعات طی کردند:

۱. اولین خطبه نهج البلاغه چند بار خوانده شد تا محقق با آن مانوس شود و بتواند آن را بهتر درک کند.
۲. زیر جملات مهم که برای این پژوهش حاوی اطلاعات حائز اهمیت بودند، خط کشیده شد.
۳. هر جمله مهم، در قالب یک مفهوم توصیف‌گر خلاصه شد. به عنوان مثال، جمله «بهترین سخن آن است که سودمند باشد» (نهج البلاغه، نامه ۳۱: ۵۲۰)، در قالب مفهوم «سودمندی» خلاصه شد.
- مراحل فوق در همه خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های نهج البلاغه انجام شد؛ زیرا از بررسی اکثر آنها همچنان داده‌های جدید به دست می‌آمد.
۴. مفاهیم به دست آمده از مراحل اول تا سوم که با هم قرابت داشتند و می‌توانستند در یک دسته قرار گیرند، تحت عنوان یک مقوله مشترک قرار گرفتند. مثلاً مفاهیم «قابلیت بررسی»، «سودمندی» و «دانش و توانمندی محقق» با عنوان مقوله «انتخاب موضوع» قرار گرفتند.
۵. مقوله‌ها بررسی شدند تا بر اساس شباهتها و موارد اشتراک، در دسته‌های بزرگ‌تر قرار بگیرند که بر اساس آن بتوان توصیفی از پدیده ارائه داد. به عنوان مثال، مقوله‌های «انتخاب موضوع» و «تقسیم کار شایسته» در یک دسته گذاشته شدند و عنوان «اصول اخلاقی پیش از اجرای پژوهش» به آنها داده شد.
۶. با مراجعه مجدد به نهج البلاغه و مقایسه توصیف پیش‌گفته با متن کتاب، تلاش شد نتایج اعتباریابی شوند.

۷. نتایج به دست آمده از مرحله قبل، در یافته‌ها اعمال شد. با توجه به نتایج مراحل مذکور، اصول اخلاقی پژوهش از منظر نهج‌البلاغه ذیل سه محور بررسی می‌شوند: اول) اصول اخلاقی پیش از اجرا؛ از هنگامی که محقق به دنبال انتخاب موضوع برای پژوهش است تا زمانی که برای ورود به میدان پژوهش و جمع‌آوری اطلاعات آمادگی کافی را کسب می‌کند. دوم) اصول اخلاقی در حین اجرا؛ شامل اصولی می‌شود که فرد تا وقتی در حال جمع‌آوری اطلاعات است باید به آن پایبند باشد. این اصول اگر چه ممکن است در تمام انواع پژوهش مد نظر قرار گیرد، اما اهمیت برخی از آنها با توجه به روش جمع‌آوری اطلاعات افزایش می‌یابد. مثلاً در پژوهش زمینه‌یابی، اصول مربوط به برخورد با دیگران اهمیت بیشتری نسبت به روش کتابخانه‌ای می‌یابد. سوم) اصول اخلاقی پس از اجرا؛ که خود در دو بخش بررسی می‌شود: اصول اخلاقی مربوط به تجزیه و تحلیل اطلاعات و اصول اخلاقی مربوط انتشار گزارش.

اول) اصول اخلاقی پیش از اجرای پژوهش

اولین دسته کلی که در بررسی اصول اخلاقی پژوهش از منظر نهج‌البلاغه مطرح می‌شود، اصول اخلاقی پیش از اجرای پژوهش است. در این قسمت، دو مقوله کلی تحت عناوین انتخاب موضوع و تقسیم کار شایسته مطرح است. در ادامه، توضیحاتی پیرامون هر یک از این دو و زیرمقوله‌های آنها ارائه می‌شود.

الف) انتخاب موضوع

رعایت اصول اخلاقی در مرحله انتخاب موضوع از اهمیت چشمگیری برخوردار است. این اهمیت از نقش خاص و مبنایی موضوع در هر پژوهش ناشی می‌شود. به طور کلی، انتخاب موضوع، مهم‌ترین تصمیمی است که در جریان یک پژوهش اتخاذ می‌شود (بلکستر و دیگران، ۱۳۸۷: ۲۸). این اهمیت به حدی است که برای انجام آن، صرف وقت بسیار (حتی چندین ماه)، تفکر عمیق و مشورت با دیگران توصیه شده است و حتی پرداختن به آن، گامی اساسی و مهم در رشد و پختگی علمی محقق محسوب می‌شود (گال و دیگران، ۱۳۹۱: ۹۳). با توجه به این اهمیت، از نظر اخلاقی لازم است هر پژوهشگر در انتخاب موضوع، ویژگی‌های ذیل را مد نظر داشته باشد:

۱. **قابلیت بررسی:** امیرالمؤمنین (ع) در خطبه ۹۱ نهج‌البلاغه می‌فرماید: «آنچه را که شیطان تو را به دانستن آن وامی‌دارد- که کتاب خدا آن را بر تو واجب نکرده و در سنت پیامبر (ص) و امامان هدایتگر (ع) نیامده- رها کن و علم آن را به خدا واگذار که این نهایت حق پروردگار بر تو است. بدان، آنها که در علم دین استوارند، خدا آنها را از فرو رفتن در آنچه که بر آنها پوشیده است و تفسیر آن را نمی‌دانند و از فرو

اصول اخلاقی پژوهش از منظر نهج البلاغه ❖ ۳۰۱

رفتن در اسرار نهان بی نیاز ساخته است و آنان را از این رو که به عجز و ناتوانی خود در برابر غیب و آنچه که تفسیر آن را نمی‌دانند اعتراف می‌کنند، ستایش فرمود و ترک ژرف‌نگری آنان در آنچه که خدا بر آنان واجب نساخته را راسخ بودن در علم شناسانده است. پس به همین مقدار بسنده کن.^۱

در این بیانات، امام(ع) مردم را از پژوهش و بررسی پیرامون اسرار پنهانی و چیزهایی که از حیطه درک و فهم انسان خارج است(غیب)، بازمی‌دارد. در کلام ایشان، پرداختن به چنین موضوعاتی و سوسه شیطان و احراز از آن، نهایت حق پروردگار بر انسان، عامل ستایش دانشمندان و رسوخ آنها در علم به شمار آمده است.

در قرآن، «غیب» در مورد هر چیزی که از حواس و علم انسان غایب و اقتضای عقل از درک آن عاجز است به کار می‌رود(راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۱۶-۶۱۷). علامه طباطبایی نیز در تفسیر آیه ۵ بقره (يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ) به خداوند و آیات او و وحی به عنوان غیب اشاره می‌کند و معتقد است وقتی خداوند از انسان خواسته است به غیب ایمان بیاورد، او به جای تکیه انحصاری بر محسوسات و مادیات باید از عقل سلیم و لب خالص پیروی کند(طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۷۳). در پژوهش نیز آنچه فراتر از محسوسات است و با تکیه بر وحی و عقل فطری باید به آن ایمان داشت، مورد بررسی قرار نمی‌گیرد.

۲. **سودمندی:** دومین ویژگی موضوع، سودمندی آن است. اهمیت این امر از این سخن امام(ع) به دست می‌آید: «فَإِنَّ خَيْرَ الْقَوْلِ مَا نَفَعُ وَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا خَيْرَ فِي عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ، وَلَا يَنْتَفَعُ بِعِلْمٍ لَا يَحِقُّ تَعَلُّمَهُ»؛ «بهترین سخن آن است که سودمند باشد. بدان علمی که سودمند نباشد فایده‌ای نخواهد داشت و دانشی که سزاوار یادگیری نیست سودی ندارد»(نهج البلاغه، ن ۳۱: ۵۲۰-۵۲۱). در این بیان، امام(ع) به ذکر اهمیت سودمندی علم پرداخته‌اند؛ به نحوی که ملاک برتری سخن و مفید بودن علم را سودمندی می‌دانند.

۳. **دانش و توانمندی محقق:** دانش و توانمندی به عنوان یکی از اصول اخلاقی پژوهش از دو بُعد قابل بررسی است. در بعد اول، مطابق با فرمایشات امام(ع) در نهج البلاغه: «حُمِّلَ كُلُّ أَمْرٍ مَجْهُودُهُ، وَخُفِّفَ عَنِ الْجَهْلَةِ»؛ برای هر کس به اندازه توانایی او وظیفه‌ای تعیین گردیده و نسبت به افراد جاهل و

۱. «وَمَا كَلَّفَكَ الشَّيْطَانُ عِلْمَهُ مِمَّا لَيْسَ فِي الْكِتَابِ عَلَيْكَ فَرْضُهُ، وَلَا فِي سُنَّةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآيَمَةِ الْهُدَى أَثَرُهُ، فَكُلُّ عِلْمِهِ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ، فَإِنَّ ذَلِكَ مُتَّبَعِي حَقِّ اللَّهِ عَلَيْكَ. وَاعْلَمْ أَنَّ الرَّاسِخِينَ فِي الْعِلْمِ هُمُ الَّذِينَ اعْتَنَاهُمْ عَنِ اقْتِحَامِ السُّدُودِ الْمُضْرُوبَةِ دُونَ الْغُيُوبِ، الْأَفْرَارُ بِحِمْلِهِ مَا جَهِلُوا تَفْسِيرَهُ مِنَ الْغَيْبِ الْمَخْجُوبِ، فَمَدَحَ اللَّهُ - تَعَالَى - اعْتِرَافَهُمْ بِالْعَجْزِ عَنِ تَنَاوُلِ مَا لَمْ يُحِيطُوا بِهِ عِلْمًا، وَسَمَى تَرْكَهُمُ التَّعَمُّقَ فِيمَا لَمْ يُكَلِّفَهُمُ الْبَحْثَ عَنْ كُنْهِهِ رُسُخًا، فَاقْتَصِرْ عَلَى ذَلِكَ، وَلَا تَقْدِرْ عَظَمَةَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ عَلَى قَدْرِ عَقْلِكَ فَتَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ».(نهج البلاغه، خ ۹۱، ۱۵۶)

۳۰۲ ♦ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی ۵۹

نادان تخفیف داده شده است (همان، خ ۱۴۹: ۲۷۲-۲۷۳) و «قَطَعَ الْعِلْمُ عُذْرَ الْمُتَعَلِّينَ»؛ دانش راه عذر تراشی بهانه جویان را بسته است. (همان، ح ۲۸۴: ۶۹۸-۶۹۹)

این فرمایش‌ها بیانگر آن است که دانش و توانمندی، از نظر اخلاقی، موجد وظیفه و مسئولیت برای فرد است؛ به نحوی که با وجود آن، فرد هیچ عذری برای احتراز از عمل نخواهد داشت. لذا فردی که در رابطه با موضوع خاصی دارای دانش اولیه و توانمندی است، به طور اخلاقی وظیفه پرداختن به آن را به عهده دارد؛ به ویژه اگر موضوعی سودمند باشد.

در بُعد دیگر، این امر به معنای احتراز از پرداختن به موضوعاتی است که فرد، دانش و توانش کافی در آن حیطة ندارد: «وَأَمْسِكْ عَنْ طَرِيقِ إِذَا خِفْتَ ضَلَالَتَهُ، فَإِنَّ الْكُفَّ عِنْدَ حَيْرَةِ الضَّلَالِ خَيْرٌ مِنْ رُكُوبِ الْأَهْوَالِ»؛ و در جاده‌ای که از گمراهی آن می‌ترسی قدم مگذار؛ زیرا خودداری به هنگام سرگردانی و گمراهی، بهتر از سقوط در تباهی‌هاست (همان، ن ۳۱: ۵۲۰-۵۲۱). پس محقق نباید کار روی موضوعی را آغاز کند که مطمئن نیست می‌تواند آن را به انجام برساند. در غیر این صورت با گرفتاری در دام سرگردانی و گمراهی، کار خویش را تباہ می‌سازد.

ب) تقسیم کار شایسته

بعد از انتخاب و نهایی کردن موضوع، مطابق با اصول اخلاقی اشاره شده در بحث قبل، در صورتی که بیش از یک نفر درگیر کار باشد، مسئله تقسیم کار بین افراد مطرح می‌شود: «وَأَجْعَلْ لِكُلِّ إِنْسَانٍ مِنْ خَدَمِكَ عَمَلًا تَأْخُذُهُ بِهِ، فَإِنَّهُ أُخْرَى أَلَّا يَتَوَكَّلُوا فِي خِدْمَتِكَ»؛ کار هر کدام از خدمتکارانت را معین کن که او را در برابر آن کار مسئول بدانی. تقسیم درست کار سبب می‌شود کارها را به یکدیگر وانگدارند و در خدمت سستی نکنند (همان، ن ۳۱: ۵۳۶-۵۳۷). در اینجا، تقسیم کار درست، تقسیم کاری است که بر اساس شایسته‌سالاری؛ یعنی تخصص و تعهد و با رعایت تفاوت‌های طبیعی و اصل فرصت‌های برابر (دسترسی برابر به فرصت‌های مشابه برای افراد دارای توانایی مشابه) انجام می‌گیرد (نظری، ۱۳۹۰: ۹۰-۸۱) و محقق باید با رعایت این مسائل، به تقسیم کار بین افراد بپردازد.

دوم) اصول اخلاقی در حین اجرای پژوهش

با شروع پژوهش، محقق به جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز خود می‌پردازد. نوع منابع مورد استفاده در این مرحله و شیوه بهره‌گیری از آنها، بسته به نوع پژوهش، متفاوت است. لذا ممکن است برخی از اصولی که در اینجا مطرح می‌شود، بیشتر ناظر به نوع خاصی از پژوهش باشد. اما به طور کلی می‌توان آنها را از اصول مربوط به پژوهش دانست.

۳۰۳ ◊ اصول اخلاقی پژوهش از منظر نهج البلاغه

۱. استفاده از منابع موثق: در پژوهشهای اسنادی و کتابخانه‌ای، استفاده از منابع از پیش موجود عمده‌ترین مبنای کار را تشکیل می‌دهد. در سایر پژوهشها نیز، دست‌کم در انجام مطالعات جانبی، برای رسیدن به موضوع و نیز در بررسی پیشینه پژوهش، مراجعه به منابع ضروری است. لذا اصل عدم استفاده از منابع مشکوک به طور ویژه در پژوهشهای کتابخانه‌ای و به طور عمومی در همه انواع پژوهش باید مورد توجه قرار گیرد. علت این امر را می‌توان در این بیان جستجو کرد که: «إِنَّ فِي أَيْدِي النَّاسِ حَقًّا وَبَاطِلًا، وَ صِدْقًا وَ كَذِبًا، وَ نَاسِيحًا وَ مُنْسُوخًا، وَ عَامًّا وَ خَاصًّا، وَ مُحْكَمًا وَ مُتَشَابِهًا، وَ حِفْظًا وَ وَهْمًا؛ احادیثی که در دسترس مردم قرار دارد، هم حق است هم باطل، هم راست هم دروغ، هم ناسخ هم منسوخ، هم عام هم خاص، هم محکم هم متشابه، هم احادیثی که به درستی ضبط گردید و هم احادیثی که با ظن و گمان روایت شد (نهج‌البلاغه، خ ۲۱۰: ۴۳۰-۴۳۱). نظر به اینکه احادیث، تنها یکی از منابع پژوهش هستند، می‌توان گفت این بیان قابل بسط به سایر منابع نیز هست؛ یعنی در میان همه منابع موجود، حق و باطل، راست و دروغ، ناسخ و منسوخ، عام و خاص، محکم و متشابه، یقینی و ظنی وجود دارد. لذا دقت در گزینش منبع، از اهمیت برخوردار است و مانع لطمه خوردن به نتایج می‌شود.

آنچه این مسئله را پراهمیت‌تر و در عین حال دشوارتر می‌سازد، درهم‌آمیخته شدن منابع معتبر و غیر معتبر و گاه وجود اطلاعات معتبر و نامعتبر در یک منبع است: «فَلَوْ أَنَّ الْبَاطِلَ خَلَصَ مِنْ مِرَاجِ الْحَقِّ لَمْ يَخْفَ عَلَى الْمُؤْتَدِينَ، وَ لَوْ أَنَّ الْحَقَّ خَلَصَ مِنْ كَيْسِ الْبَاطِلِ انْفَطَعَتْ عَنْهُ أَلْسُنُ الْمُعَانِدِينَ؛ وَلَكِنْ يُؤَخِّدُ مِنْ هَذَا ضَيْغٌ، وَ مِنْ هَذَا ضَيْغٌ، فَيَمُزَّجَانِ! فَهَذَا كَيْسٌ يَسْتَوْلِي الشَّيْطَانُ عَلَى أَوْلِيَائِهِ؛ پس اگر باطل با حق مخلوط نمی‌شد، بر طالبان حق پوشیده نمی‌ماند و اگر حق از باطل جدا و خالص می‌گشت، زبان دشمنان قطع می‌گردید. اما قسمتی از حق و قسمتی از باطل را می‌گیرند و به هم می‌آمیزند، آنجاست که شیطان بر دوستان خود چیره می‌گردد. (نهج‌البلاغه، خ ۵۰: ۱۰۲-۱۰۳)

به این ترتیب، پژوهشگر دارای تعهد اخلاقی، از منابعی بهره می‌گیرد که نسبت به سلامت آنها اطمینان قطعی داشته باشد و به طور ویژه از منابعی که با ترکیب حق و باطل، سرپوشی بر حقیقت گذاشته‌اند می‌پرهیزد. اهمیت این امر تا بدانجاست که حتی در برخورد با منابع مشکوک (علاوه بر منابعی که محقق به عدم سلامت آنها اطمینان دارد)، توقف و پرهیز توصیه می‌شود: «وَتَرَكِ كُلَّ شَيْءٍ أَوْلَجْتِكَ فِي شُبُهَةٍ، أَوْ أَسْلَمْتِكَ إِلَيَّ ضَلَالَةً؛ و از هر کاری که تو را به شک و تردید اندازد یا تسلیم گمراهی کند بپرهیز (نهج‌البلاغه، ن ۳۱: ۵۲۴-۵۲۵). در غیر این صورت، محقق به جای انسانی حقیقت‌جو، تبدیل به فردی خواهد شد که «مجهولاتی به هم بافته... و چیزی را بسیار جمع‌آوری می‌کند که اندک آن به از بسیار است! تا آنکه از آب

۳۰۴ ♦ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی ۵۹

گندیه سیراب شود و دانش و اطلاعات بیهوده فراهم آورد» (نهج البلاغه، خ ۱۷: ۶۰-۶۱). این امر وقتی اتفاق می‌افتد که فرد، اطلاعات را بدون تجزیه و تحلیل و بررسی صحت و سقم آن و توانایی جداسازی حق و باطل، از منابع گوناگون جمع‌آوری کند. در چنین صورتی، علم وی، علمی جهل‌انگیز خواهد بود که کم آن از زیادش بهتر است و گنجینه وی را از مطالب غیرمفید پر می‌کند. (شغی، ۱۳۸۶: ۱۸۳-۱۸۴)

۲. **بی‌طرفی:** اصل اخلاقی بعدی در مرحله جمع‌آوری اطلاعات، آن است که محقق از حب و بغض شخصی پرهیزد و صرف‌نظر از پیش‌زمینه‌های ذهنی و علایق شخصی، به دنبال کسب اطلاعات درست و واقعی باشد؛ زیرا دل‌بستگی به هر چیز باعث می‌شود که فرد آن را از دریچه تعلق خویش بنگرد و از مشاهده کاستی‌های آن و تفکر عقلانی (که لازمه خوب دیدن و خوب شنیدن است) محروم شود: «وَمَنْ عَشِقَ شَيْئًا أَعَشَى بَصَرَهُ وَأَمْرَضَ قَلْبَهُ فَهُوَ يَنْظُرُ بَعَيْنٍ غَيْرِ صَاحِحَةٍ وَ يَسْمَعُ بَأْذُنٍ غَيْرِ سَمِيعَةٍ»؛ هر کس به چیزی عشق ناروا ورزد، نابینایش می‌کند و قلبش را بیمار کرده، با چشمی بیمار می‌نگرد و با گوش‌ی بیمار می‌شنود (نهج البلاغه، خ ۱۰۹: ۲۰۴-۲۰۵). پس دل‌بستگی ناروا، قلب، چشم و گوش انسان را بیمار می‌کند. دلی که بیمار باشد، شایستگی درک انوار الهی و معقولات کلی را ندارد. چشم بیمار نیز با کج‌بینی و نقصی که دارد، از دیدن واقعیات و تشخیص حقیقت کامل آن عاجز است و بالاخره گوش بیمار، مسائل را تنها می‌شنود (شغی، ۱۳۸۸: ۱۹۶-۱۹۷). لذا تنها با بی‌طرفی می‌توان به کسب اطلاعات واقعی و درک حقیقی آن نایل شد.

۳. **پرهیز از جمع‌آوری زیاد اطلاعات:** محقق برای آنکه بتواند به نتایج درست و کامل دست یابد، باید در مرحله جمع‌آوری اطلاعات، با مراجعه به منابع موثق و با دیدن و شنیدن دقیق و همراه با تفکر و بی‌طرفی، داده‌ها و اطلاعات کافی را گردآوری کند تا بر اساس آن به تجزیه و تحلیل پرداخته، بدون از نظر دور داشتن بخشی از حقایق، به موثق‌ترین نتیجه ممکن دست یابد. اما آیا مرزی برای جمع‌آوری اطلاعات وجود دارد؟ محقق تا کجا باید جمع‌آوری اطلاعات را ادامه دهد؟

برخی از محققان بر این اعتقادند که جمع‌آوری اطلاعات در پژوهش‌های کیفی، باید تا آنجا ادامه یابد که هیچ اطلاعات جدید و مفید دیگری به دست نیاید (کال و دیگران، ۱۳۹۰: ۹۷۵-۹۷۶). علت این امر آن است که زیاده‌روی در جمع‌آوری اطلاعات، مانعی در برابر کسب حقیقت است؛ چنان که در نهج البلاغه هم آمده است: «إِذَا اِزْدَحَمَ الْجَوَابُ خَفِيَ الصَّوَابُ»؛ هر گاه پاسخ‌ها همانند و زیاد شد، پاسخ درست پنهان شود (نهج البلاغه، ح ۲۴۳: ۶۸۰-۶۸۱)

۴. **استقبال از آرای گوناگون:** طبق اصل قبلی، جمع‌آوری بیش از حد اطلاعات ممکن است باعث دشواری دریافت حقیقت از میان آنها شود. با این وجود، این امر ناقض استقبال از آرای مختلف و شنیدن و

۱. «و رجل قمش جهلا، بکر فاستکثر من جمع، ما قل منه خیر مما کثر، حتی اذا ارتوی من ماء آجن، واکثر من غیر طائل».

اصول اخلاقی پژوهش از منظر نهج البلاغه ❖ ۳۰۵

بررسی نظرات مخالف دیگران نیست، بلکه محققى که طالب دستیابی به حقیقت است، باید هر مسئله را از ابعاد مختلف بنگرد و آرا و نظرات مختلف (موافق یا مخالف) را راجع آن بشنود تا در نهایت بتواند با دید روشن تری قضاوت کند و درست و غلط را از هم تشخیص دهد؛ چنان که امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «مَنْ اسْتَقْبَلَ وَجْهَ الْأَرَاءِ عَرَفَ مَوَاقِعَ الْخَطَا»؛ آن کس که از افکار و آرای گوناگون استقبال کند، صحیح را از خطا خوب شناسد. (نهج البلاغه، ح ۱۷۳: ۶۶۶-۶۶۷)

سوم) اصول اخلاقی پس از اجرای پژوهش

پس از اجرای پژوهش و گردآوری اطلاعات لازم، محقق باید به تجزیه و تحلیل این اطلاعات به منظور نیل به نتایج بپردازد. در این مرحله نیز برخی از اصول اخلاقی مطرح می‌شود. به علاوه، انتشار نتایج تحقیق و قرار دادن این نتایج در اختیار سایر پژوهشگران و افراد ذی‌ربط، امری ضروری است. لذا در انجام آن، همچون سایر مراحل پژوهش، باید به اصول اخلاقی پایبند بود. در ادامه، اصول اخلاقی پس از اجرای پژوهش در دو مرحله «تجزیه و تحلیل اطلاعات» و «گزارش نتایج به دست آمده» مطرح می‌شود.

الف) تجزیه و تحلیل اطلاعات

در تجزیه و تحلیل اطلاعات، یک اصل اساسی و محوری وجود دارد که عبارت است از: عدم تحریف و کتمان حقایق. بر این اساس، توصیه امام (ع) این است که: «وَقُولُوا بِالْحَقِّ، وَأَعْمَلُوا لِلْأَجْرِ»؛ حق را بگویند و برای پاداش الهی عمل کنند (نهج البلاغه، ن ۴۷: ۵۵۸-۵۵۹)؛ چرا که «مَنْ صَارَعَ الْحَقَّ صَرَعه»؛ هر کس با حق در افتاد، نابود شد (نهج البلاغه، ح ۴۰۸: ۷۲۶-۷۲۷). البته پایبندی به حقیقت و عدم کتمان آن کاری بس دشوار، اما نتیجه آن بسیار ارزشمند است: «إِنَّ الْحَقَّ ثَقِيلٌ مَرِيءٌ وَإِنَّ الْبَاطِلَ خَفِيفٌ وَبِئْسَ مَا كَوَارِاسْتِ وَبَاطِلٌ، سَبَكَ أَمَّا كَشْنَدَه (نهج البلاغه، ح ۳۷۶: ۷۲۰-۷۲۱). حال باید دید به منظور رعایت این اصل اخلاقی از چه راهکارهایی می‌توان بهره جست. با مراجعه به نهج البلاغه، می‌توان گفت راهکارهای ذیل در جهت نیل به نتایج حقیقی در مرحله تجزیه و تحلیل اطلاعات مثمر ثمر است.

۱. **پرهیز از قضاوت ناآگاهانه:** مهم‌ترین راهکار برای نیل به حقیقت آن است که محقق تنها بر اساس اطلاعاتی که با رعایت اصول اخلاقی در مرحله اجرای پژوهش به دست آورده است، به قضاوت و داوری بپردازد و در جایی که اطلاعات و دانش کافی وجود ندارد، به اظهار نظر و نتیجه‌گیری نپردازد. در این رابطه، حتی از تکیه بر ظن و گمان نیز پرهیز داده شده است؛ یعنی تجزیه و تحلیل اطلاعات صرفاً باید بر اساس داده‌های قطعی موجود باشد. این امر در نهج البلاغه به طور مکرر و در شکل‌های مختلف بیان شده که در اینجا به برخی از موارد آن اشاره می‌شود:

۳۰۶ ♦ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی ۵۹

- «پس آنچه را نمی‌دانید نگویند؛ زیرا بسیاری از حقایق در اموری است که ناآگاهانه انکار می‌کنید ... پس وهم و گمان خود را در آنجا که چشم دل ژرفای آن را مشاهده نمی‌کند و فکرتان توانایی تاختن در آن راه را ندارد، به کار نگیرید»^۱.

- «و من از آن کس که به باطل سخن گوید یا کاری را که خدا اصلاح کرده بر هم زند، بیزارم. آنچه را نمی‌دانی واگذار؛ زیرا مردان بد کردار، با سخنانی نادرست به سوی تو خواهند شتافت»^۲.

- «به نادانی‌های خود تکیه نکنید و تسلیم هوای نفس خویش نباشید که چنین کسی بر لبه پرتگاه قرار دارد و بار سنگین هلاکت و فساد را بر دوش می‌کشد و از جایی به جای دیگر می‌برد؛ تا آنچه را که ناچسب است، بچسباند و آنچه را که دور می‌نماید، نزدیک جلوه دهد»^۳.

در اینجا، منظور از تکیه بر نادانی‌ها، محکم ایستادن بر روی آنچه نسبت به آن آگاهی وجود ندارد و عدم تلاش برای رفع جهالت است. این امر همراه با تسلیم شدن به هوای نفس فرد را در ورطه سقوط و نابودی قرار می‌دهد. تلاش چنین افرادی برای چسباندن ناچسب‌ها و نزدیک نمایاندن دورها، بر توجیه و تفسیر به رأی از جانب آنان دلالت دارد (شفیعی، ۱۳۸۸: ۱۷۵-۱۸۲) که خود نوعی قضاوت ناآگاهانه است.

۲. پرهیز از حب و بغض شخصی: پرهیز از حب و بغض شخصی یا همان بی‌طرفی که در بحث از اصول اخلاقی در مرحله گردآوری اطلاعات مطرح شد، در هنگام تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز باید مدنظر قرار گیرد. همان‌طور که سابق بر این خاطر نشان شد: «مَنْ عَشِقَ شَيْئًا أَغَشَى بَصَرَهُ، وَأَمْرَضَ قَلْبَهُ، فَهُوَ يَنْظُرُ بِعَيْنٍ غَيْرِ صَاحِبِهِ، وَيَسْمَعُ بِأُذُنٍ غَيْرِ سَمِيعِهِ»؛ هر کس به چیزی عشق ناروا ورزد، نابینایش می‌کند و قلبش را بیمار کرده، با چشمی بیمار می‌نگرد و با گوشی بیمار می‌شنود (نهج‌البلاغه، خ ۱۰۹: ۲۰۴-۲۰۵). لذا حب و بغض شخصی اگر کنترل نشود، نه تنها در مرحله جمع‌آوری اطلاعات منجر به کسب اطلاعات جهت‌دار می‌شود، بلکه در مرحله تجزیه و تحلیل هم می‌تواند آثار سوئی داشته باشد. توضیح آنکه حتی اطلاعاتی که بی‌طرفانه گردآوری شوند، ممکن است بر اساس برخی از جهت‌گیری‌ها مورد تفسیر قرار بگیرند و لذا از اطلاعات حقیقی، نتایج مغرضانه به دست آید. به همین دلیل، بی‌طرفی در این مرحله به اندازه مراحل قبلی حائز اهمیت است.

۱. «فلا تقولوا بما لاتعرفون، فان اكثر الحق فيما تنكرون... لا تستعملوا الرأى فيما لا يدرك قعره البصر، ولا تتغلغل إليه الفکر» (نهج‌البلاغه، خ ۸۷: ۱۴۸)

۲. «وإني لأعبد أن يقول قائل بباطل، أن أفسد أمراً قد أصلحه الله، فذبح ما لا تعرفه، فإن شراز الناس طائرون إليك بأقويل السوء، والسلام» (نهج‌البلاغه، ن ۷۸: ۶۱۸)

۳. «لا تركنوا إلى جهالتكم، ولا تتقادوا لأهوائكم، فإن النازل بهذا المنزل نازل بشفا جرف هار، يتقل الردى على ظهره من موضع إلى موضع، لرأى يخلدته بغلة رأى، يريد أن يئصق ما لا يئصق، ويقرّب ما لا يتقارب» (نهج‌البلاغه، خ ۱۰۵: ۱۹۴)

اصول اخلاقی پژوهش از منظر نهج البلاغه ❖ ۳۰۷

۳. **رفع شبهات در پرتو قرآن:** در زمینه پرهیز از قضاوت ناآگاهانه، گفته شد که محقق باید از قضاوت در مواردی که اطلاعات کافی موجود نیست یا شک و شبهه وجود دارد، پرهیزد. در بحث از انتخاب موضوع نیز پرداختن به موضوعاتی که در حیطه فهم بشر نیست و قابلیت بررسی ندارد، از لحاظ اصول اخلاقی پژوهش نادرست انگاشته شد. حال باید دید در مرحله تجزیه و تحلیل اطلاعات باید چه برخوردی با این گونه مسائل داشت. در این زمینه دو توصیه در نهج البلاغه ارائه شده است؛ اول آنکه: «فَلَا تَكْشِفَنَّ عَمَّا غَابَ عَنْكَ مِنْهَا، فَإِنَّمَا عَلَيْكَ تَطْهِيرُ مَا ظَهَرَ لَكَ، وَاللَّهُ يَحْكُمُ عَلَى مَا غَابَ عَنْكَ»؛ پس مبادا آنچه بر تو پنهان است آشکار گردانی و آنچه که هویداست بیوشانی؛ که داوری در آنچه از تو پنهان است با خدای جهان می‌باشد (نهج البلاغه، ن ۵۳: ۵۶۸-۵۶۹). توصیه دوم این است که: «عَلَى كِتَابِ اللَّهِ تَعَرُّضُ الْأُمْتَالِ»؛ شبهات را باید در پرتو کتاب خدا، قرآن شناخت (نهج البلاغه، خ ۷۴: ۱۲۲-۱۲۳). به این ترتیب، در پژوهشهای اسلامی، بر خلاف سایر پژوهشها، معیاری برای رفع شبهات وجود دارد. البته چگونگی انجام این عمل بحثی جداگانه می‌طلبد.

ب) گزارش نتایج به دست آمده

آخرین مرحله از انجام یک پژوهش، گزارش نتایج آن به جامعه علمی، افراد ذی‌ربط و مردم است. در این مرحله نیز مانند سایر مراحل، رعایت برخی از نکات اخلاقی ضروری است. این نکات در سه حیطه محتوای گزارش، همکاران پژوهش و خود پژوهشگر قابل طرح است که در ادامه بررسی می‌شود.

۱. **محتوای گزارش:** در رابطه با محتوای گزارش، رعایت سه اصل صداقت، اطمینان و استدلال از اهمیت برخوردار است. منظور از اصل صداقت، ارائه اطلاعات صحیح و مبتنی بر حقیقت در گزارش است. به عبارت دیگر؛ محقق باید از انتشار اطلاعات کذب و نتایج ساختگی پرهیزد. در همین ارتباط است که نهج البلاغه از دروغ به عنوان بدترین گفتار و عامل هلاکت و خواری نام برده است: «وَسُرُّ الْقَوْلِ الْكَذِبُ»؛ و بدترین گفتار، دروغ است (نهج البلاغه، خ ۸۴: ۱۴۰-۱۴۱) و: «جَائِبُوا الْكَذِبَ فَإِنَّهُ مُجَانِبٌ لِلْإِيمَانِ، الصَّادِقُ عَلَى شَفَا مَنْجَاهٍ وَكَرَامَةٍ، وَالْكَاذِبُ عَلَى شَرَفٍ مَهْوَاهُ وَمَهَانَةٌ»؛ از دروغ برکنار باشید که با ایمان فاصله دارد. راستگو در راه نجات و بزرگواری است. اما دروغگو بر لب پرتگاه هلاکت و خواری است. (نهج البلاغه، خ ۸۶: ۱۴۴-۱۴۵)

اصل اطمینان، عبارت است از گزارش ندادن آنچه محقق از آن مطمئن نیست؛ یعنی همان موارد شک و تردید و شبهاتی که پیش‌تر به آن اشاره شد، تا وقتی که به یقین تبدیل نشده‌اند نباید منتشر شوند: «وَلَيْسَ طَالِبُ الدِّينِ مَنْ خَبَطَ أَوْ خَلَطَ، وَالْإِمْسَاكُ عَنْ ذَلِكَ أَمْثَلُ... وَلَا تَقُلْ مَا لَا تَعْلَمُ وَإِنْ قُلَّ مَا تَعْلَمُ»؛ طالب دین نه اشتباه می‌کند و نه در تردید و سرگردانی است؛ که در چنین حالتی خودداری بهتر است... آنچه نمی‌دانی نگو، گر چه آنچه را می‌دانی اندک است (نهج البلاغه، ن ۳۱: ۵۲۷-۵۲۴). بدین ترتیب، ارائه گزارشی

۳۰۸ ♦ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی ۵۹

با حجم کم اطلاعات درست و قاطع، بر گزارشی حجیم که در آن موارد اطمینان‌بخش با شبهات و تردیدها ترکیب شده و اعتبار خود را از دست داده‌اند، ترجیح دارد.

اصل استدلال، بر مبنای این سخن به دست می‌آید که: «فَلْيَأْتِ عَلَيْهَا بِأَمْرٍ يُعْرِفُ»؛ اگر در ادعای خود بر حق است، باید دلیل بیاورد (نهج‌البلاغه، خ ۵۲-۵۳). بدین ترتیب، این اصل مکمل دو اصل صداقت و اطمینان و در حقیقت، گواه رعایت آن دو است. لذا پژوهشگر برای اثبات صداقت علمی خویش و ارائه اطلاعات بی‌شک و شبهه، باید استدلال کافی ارائه کند؛ زیرا هیچ سخنی بدون استدلال صحیح و عقلانی قابل پذیرش نیست.

۲. همکاران پژوهش: اگر چه در هر پژوهش، یک نفر مسئولیت اصلی را بر عهده دارد، اما ممکن است کسان دیگری نیز در این رابطه با وی همکاری داشته باشند. بر اساس نظر نهج‌البلاغه، لازم است اسم تمام کسانی که در انجام یک پژوهش نقشی داشته‌اند، بر اساس میزان مسئولیت و تلاششان در پژوهش (نه بر اساس پست، سمت، مرتبه علمی و میزان نفوذ) آورده شود: «ثُمَّ اعْرِفْ لِكُلِّ أَمْرٍ مِنْهُمْ مَا أَبْلَى، وَلَا تَضْمَنْ بَلَاءَ أَمْرٍ إِلَى غَيْرِهِ، وَلَا تُقْصِرَنَّ بِهِ دُونَ غَايَةِ بَلَاءِهِ، وَلَا يَدْعُوَنَّكَ شَرَفُ أَمْرٍ إِلَى أَنْ تُعْظِمَ مِنْ بَلَاءِهِ مَا كَانَ صَغِيرًا، وَلَا ضَعْفُ أَمْرٍ إِلَى أَنْ تَسْتَصْغِرَ مِنْ بَلَاءِهِ مَا كَانَ عَظِيمًا»؛ و در یک ارزشیابی دقیق، رنج و زحمات هر یک از آنان را شناسایی کن و هرگز تلاش و رنج کسی را به حساب دیگری مگذار و ارزش خدمت او را ناچیز مشمار تا شرافت و بزرگی کسی موجب نگردد که کار کوچکش را بزرگ بشماری یا گمنامی کسی باعث شود که کار بزرگ او را ناچیز بدانی (نهج‌البلاغه، ن ۵۳: ۵۷۴-۵۷۷) و: «وَأَيَّاكَ وَالْإِسْتِثْنَاءَ بِمَا النَّاسُ فِيهِ أَسْوَةٌ»؛ هشدار از امتیازخواهی! مبدا هرگز در آنچه که با مردم مساوی هستی امتیازی خواهی. (نهج‌البلاغه، ن ۵۳: ۵۹۰-۵۹۱)

۳. عمل به یافته‌ها: در قسمت قبل، اصول اخلاقی‌ای که پژوهشگر باید در قبال همکاران خود رعایت کند، بررسی شد. در اینجا باید گفت با انتشار گزارش پژوهش، محقق علاوه بر سایر افراد، در قبال خویش نیز دارای برخی از مسئولیتهای اخلاقی می‌باشد؛ از جمله آنکه او با نیل به دانش، باید اثر این دانش را در عمل نشان دهد. به عبارت دیگر؛ هر دانشی که در اثر یک پژوهش در فرد ایجا می‌شود، باید به یک عمل منجر شود: «لَا تَجْعَلُوا عِلْمَكُمْ جَهْلًا وَ يَقِينَكُمْ شُكًّا إِذَا عَلِمْتُمْ فَأَعْمَلُوا وَ إِذَا تَيَقَّنْتُمْ فَأَقْدُمُوا»؛ علم خود را نادانی و یقین خود را شک و تردید میندازید. پس هر گاه دانستید، عمل کنید و چون به یقین رسیدید، اقدام کنید (نهج‌البلاغه، ح ۲۷۴: ۶۹۶-۶۹۷) و: «الْعِلْمُ مَقْرُونٌ بِالْعَمَلِ فَمَنْ عَمِلَ وَ الْعِلْمُ يُهْتَفُ بِالْعَمَلِ فَإِنْ أَجَابَهُ وَ إِلَّا ارْتَحَلَ عَنْهُ»؛ علم و عمل پیوندی نزدیک دارند و کسی که دانست باید به آن عمل کند؛ چرا که علم عمل را فراخواند؛ اگر پاسخش داد می‌ماند و گر نه کوچ می‌کند (نهج‌البلاغه، ح ۳۶۶: ۷۱۶-۷۱۷). در حقیقت؛ عمل نکردن به علم، باعث فراموشی آن می‌شود. این در حالی است که علم قوی، به تقویت عمل و عمل

اصول اخلاقی پژوهش از منظر نهج البلاغه ♦ ۳۰۹

اثربخش، به تقویت علم می‌انجامد (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۳: ۵۷۶-۵۷۷). لذا عمل به علم، یک وظیفه اخلاقی برای پژوهشگر است.

از سوی دیگر، کسب دانش و دستیابی به مراتب بالاتر علمی، نباید عامل غرور محقق شود: «وَأَعْلَمُ أَنَّ الْأَعْجَابَ ضِدُّ الصَّوَابِ وَأَفَهُ الْأَلْبَابِ... وَإِذَا أَنْتَ هُدَيْتَ لِقَصْدِكَ فَكُنْ أَخْشَعَ مَا تَكُونُ لِرَبِّكَ»؛ بدان که خودبزرگی بینی و غرور، مخالف راستی و آفت عقل است... آن‌گاه که به راه راست هدایت شدی، در برابر پروردگارت از هر فروتنی خاضع‌تر باش (نهج البلاغه، نامه ۳۱: ۵۲۶-۵۲۷). پس خضوع و فروتنی، نه تنها عاملی مؤثر در سلامت عقل است، بلکه به عنوان نشانه‌ای از قدردانی در برابر پروردگار محسوب می‌شود.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با مبنا قرار دادن نهج البلاغه به دنبال دستیابی به اصول اخلاقی پژوهش بود. به این منظور، از روش پدیدارشناسی بهره گرفته شد که روشی است برای درک بهتر پدیده‌ها از طریق بررسی عمیق آنها. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز از الگوی هفت مرحله‌ای کلایزی بهره گرفته شد. بر این اساس، می‌توان اصول اخلاقی پژوهش را در سه مرحله قبل از اجرا، حین اجرا و پس از اجرا مورد بررسی قرار داد. قبل از اجرای تحقیق، در درجه اول، اصول اخلاقی مربوط به انتخاب موضوع مطرح می‌شوند که عبارتند از: قابلیت بررسی (پرهیز از پرداختن به اموری که از حیطة درک و فهم انسان خارج است)، سودمندی (ملاک برتری سخن و مفید بودن علم)، دانش و توانمندی (وظیفه اخلاقی واجدان دانش و توانمندی در یک حیطة، به پرداختن به آن و منع اخلاقی فاقدین این دانش و توانمندی از پژوهش در آن حیطة)، علاوه بر انتخاب موضوع، تقسیم کار شایسته که مانع از سستی افراد و واگذاری کارها به یکدیگر می‌شود نیز از اهمیت برخوردار است.

اصول اخلاقی در حین اجرای پژوهش بدین شرح می‌باشند: استفاده از منابع موثق (بهره‌گیری از منابعی که نسبت به سلامت آنها اطمینان قطعی وجود دارد و پرهیز از منابعی که با ترکیب حق و باطل، سرپوشی بر حقیقت گذاشته‌اند)، بی‌طرفی (کسب اطلاعات درست و واقعی با پرهیز از حبّ و بغض شخصی)، پرهیز از جمع‌آوری زیاد اطلاعات که مانعی در برابر کسب حقیقت است و استقبال از آرای گوناگون.

و بالاخره، اصول اخلاقی پس از اجرای پژوهش در دو بخش بررسی می‌شوند. در تجزیه و تحلیل اطلاعات، عدم تحریف و کتمان حقایق، اصلی اساسی است که با پرهیز از قضاوت ناآگاهانه، پرهیز از حبّ و بغض شخصی و رفع شبهات در پرتو قرآن به دست می‌آید. همچنین در گزارش نتایج به دست آمده، لازم است فرد، اصول اخلاقی را در سه حیطة رعایت کند: محتوای گزارش (رعایت سه اصل صداقت،

۳۱۰ ♦ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی ۵۹

اطمینان و استدلال)، همکاران پژوهش (آوردن اسم مؤلفان بر اساس میزان مسئولیت و تلاششان در پژوهش) و پژوهشگر (همراه کردن علم با عمل).



منابع

- نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی (۱۳۷۹). قم: مشرقین.
- بلکستر، لورن و دیگران (۱۳۸۷). چگونه تحقیق کنیم؟ ترجمه عیسی ابراهیم زاده و دیگران. تهران: دانشگاه پیام نور، چ سوم.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن. بیروت: دارالعلم دارالشامیه.
- سیدعلوی، سید ابراهیم (۱۳۸۸). «نهج البلاغه و تعریف حق و باطل». کاوشی در نهج البلاغه: مجموعه مقالات و سخنرانی‌ها در کنگره بین المللی هزاره نهج البلاغه، ج ۲. تهران: بنیاد نهج البلاغه.
- شریفیان، فریدون و دیگران (۱۳۸۶). «جایگاه اخلاق اسلامی در فرایند پژوهش‌های علوم تربیتی». اولین همایش تحلیل و تنظیم نظام علوم تربیتی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- شفیعی، حسین (۱۳۸۶). سخن آشنا: شرح عرفانی، اخلاقی نهج البلاغه. درسهای عالم ربانی و حکیم متاله استاد حسین شفیعی، ج ۱. اصفهان: کانون پژوهش.
- شفیعی، حسین (۱۳۸۸). سخن آشنا: شرح عرفانی، اخلاقی نهج البلاغه. درسهای عالم ربانی و حکیم متاله استاد حسین شفیعی، ج ۲. اصفهان: کانون پژوهش.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۶). تفسیر المیزان. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- عابدی، حیدرعلی (۱۳۸۹). «کاربرد روش تحقیق پدیده‌شناسی در علوم بالینی». راهبرد، سال نوزدهم، ش ۵۴: ۲۵۴-۲۰۷.
- گال، مردیت و دیگران (۱۳۹۱). روشهای تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی، ج ۱. ترجمه احمدرضا نصر و دیگران. تهران: سمت، چ هفتم.
- گال، مردیت و دیگران (۱۳۹۰). روشهای تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی، ج ۲ (با تجدید نظر). ترجمه احمدرضا نصر و دیگران. تهران: سمت، چ چهارم.
- نظری، محمدعلی (۱۳۹۰). «نظام تقسیم کار عادلانه در اسلام و شاخص‌های آن». معرفت، سال بیستم، ش ۱۲ (زمستان): ۷۵-۹۲.
- Chan, Zenobia C.Y.; Fung, Yuen-Ling & Chien, Wai-Tong (2013). **Bracketing in Phenomenology: Only Undertaken in the Data Collection and Analysis Process?**. *The Qualitative Report*, Vol. 18, A. 59: 1-9. <http://www.nova.edu/ssss/QR/QR18/chan59.pdf>
- Colaizzi, P.F. (1978). **Psychological Research as the Phenomenologist**

Views it. In R.S. Valle & M. King (Eds.). *Existential Phenomenological Alternatives for Psychology* (P. 48-71). New York: Plenum.

- Langdrige, D. (2007). **Phenomenological Psychology: Theory, Research and Method.** London: Person Education Limited.

